

ماآجتها

پژوهه‌های فقهی

دوفصلنامه علمی - پژوهشی

سال هفتم، شماره ۱۳، بهار و تابستان ۱۴۰۲

دیه و ارش شکستگی جمجمه کودک^۱

رضا پورصدقی^۲، طاهره یونس پور بهنمیری^۳

چکیده

از فتاوی مطرح در دیه شکستگی جمجمه می‌توان دریافت که نوع فقها جمجمه را در تمام سنین، یک استخوان به هم پیوسته در نظر گرفته‌اند. اما جمجمه کودک استخوان یکپارچه نیست، بلکه از استخوان‌های مجزا تشکیل شده که به وسیله بخش غضروفی به هم متصل‌اند. طبق قواعد، باید در فرضی که شکستگی منتهی به آسیب به غضروف یا استخوان دیگر جمجمه می‌شود، تعدد شکستگی محسوب شود. عدم تصریح فقها به حکم شکستگی جمجمه کودک، این تبادل را ایجاد می‌کند که این مسئله مغفول بوده و مورد بررسی موشکافانه فقهی قرار نگرفته است. این نوشتار به روش تحلیلی-انتقادی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، به بررسی دو وجه تساوی و تفاوت دیه و ارش شکستگی جمجمه کودک و بزرگسال پرداخته است. بر این اساس، اگرچه

ماآجتها
پژوهه‌های فقهی

دیه و ارش شکستگی جمجمه کودک

تاریخ تأیید: ۴۰۱/۱۰/۲۰

rezapoorshedghi@gmail.com

rahman1873.shaban@gmail.com

۱. تاریخ دریافت: ۴۰۱/۶/۱۴

۲. پژوهشگر مرکز مطالعات فقهی پزشکی قانونی (نویسنده مسئول).

۳. سطح سه فقه و اصول جامعه الزهراء ع.

تعدد بافت جمجمه در کودکان، این احتمال را تقویت می کند که آسیب به هر بافت، دیه مستقلی را به دنبال داشته باشد. ولی از دید عرف، غضروف ادامه استخوان بوده و آسیب امتداد یافته از استخوان به غضروف دو آسیب مستقل محسوب نمی شود. بنابراین در فرض مسأله، بیش از یک دیه لازم نیست.

واژگان کلیدی: شکستگی، استخوان سر، هاشمه، جمجمه کودک، دیه، ارش.

مقدمه

حکم شکستگی جمجمه در کتب فقهی به صورت مطلق بیان شده است. عبارت فقها نشان از در نظر گرفتن جمجمه به عنوان یک استخوان به هم پیوسته دارد؛ ولی ملاحظات پزشکی نشان می دهد جمجمه کودک، بر خلاف بزرگسال، از استخوان های متعددی تشکیل شده است که به وسیله بخش غضروفی به هم متصل اند و از نگاه پزشکی استخوان یکپارچه محسوب نمی شود. از نگاه عرف نیز استخوان سر کودک دارای وضعیت یکپارچه نیست و به خصوص در ناحیه ملاح، حالت غضروفی و نرم و دارای بافت متمایز از استخوان دارد. این حالت حتی برای افراد عادی بدون تخصص پزشکی نیز محسوس است.

اسکلت جمجمه کودکان مجموعه ای از چند استخوان مجزا است که توسط درز به هم متصل شده اند و با رشد کودک این درزها، استخوانی شده و جوش می خورند، تا استخوان جمجمه مستحکم شود. بنابراین، این پرسش مطرح است که در فرض امتداد آسیب در جمجمه کودک، از استخوان به بخش غضروفی، آیا یک آسیب محسوب شده و یک دیه خواهد داشت؟ یا به دلیل تعدد در نوع بافت، باید آسیب مذکور، متعدد و در نتیجه برای آن دیه متعدد در نظر گرفته شود؟ به بیان دیگر آیا این آسیب ملحق به آسیب های جمجمه بزرگسالان شده، و مشمول ماده ۷۰۹ قانون مجازات است؟ یا با توجه به اینکه چنین آسیبی، فقط شکستگی استخوان نیست و آسیب به غضروف درز بین استخوان جمجمه نیز هست، شامل دیه و ارش جداگانه می شود؟

بر اساس قواعد کلی دیه در شکستگی، تعدد آسیب موجب مسئولیت متعدد است. بنابراین در فرضی که شکستگی منتهی به آسیب به غضروف یا استخوان دیگر جمجمه شود، باید تعدد شکستگی محسوب شده و برای آن دیه و ارش متعدد در نظر گرفته شود. عدم تصریح فقها به حکم شکستگی جمجمه کودک و اطلاق کلام ایشان، این تبادر را ایجاد

می‌کند که مسأله مغفول بوده و مورد بررسی دقیق فقهی قرار نگرفته است. با وجود تصریحات فقه و قانون (ماده ۷۰۹) بر انواع شکستگی، اما بحثی از جمجمه کودک به میان نیامده است. اهمیت تعیین دقیق میزان دیه و ارش، خصوصاً با توجه به آسیب‌پذیری کودکان در تصادفات و جنایات مختلف، مطالعه موضوع را برای محاکم قضایی، پزشکی قانونی و کارشناسان وابسته، بیش از پیش ضروری می‌کند.

پیشینه

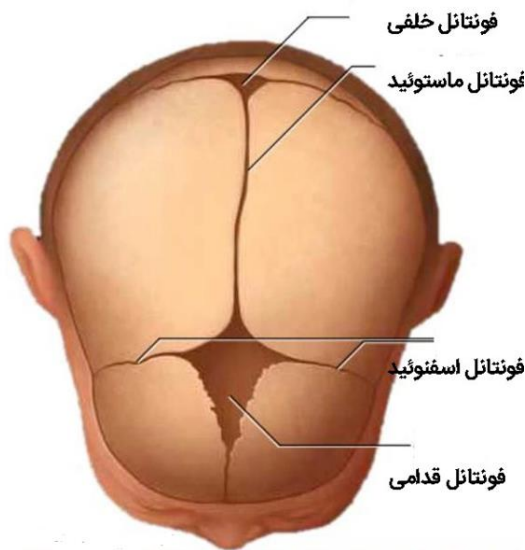
مسئله شکستگی سر و تعیین دیه برای آن به دلیل وجود روایات^۱ و همچنین به دلیل مبتلابه بودن، از دیرباز در کتب فقهی مطرح بوده و است. ^۲ دیه آسیب به استخوان سر در قالب اصطلاحات هاشمه^۳، منقله^۴، مأمومه^۵ و دامغه^۶ مطرح شده است، ولی همان‌گونه که اشاره شد در بیان حکم این فروع، میان سر کودک و بزرگسال همسانی انگاشته شده است که از این منظر، شکستگی جمجمه کودک بحثی نو شمرده می‌شود.

مفهوم شناسی

جمجمه کودک: در تحقیقات پزشکی، اطلاعات بسیاری درباره جمجمه کودکان، نحوه رشد، و زمان اتصال درزها به دست آمده است.^۷ بر این اساس، جمجمه کودک یک استخوان بزرگ، مانند بزرگسالان نیست. در بدو تولد، جمجمه به شکل استخوان‌های جداگانه‌ای است، که

۱. عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۹، ص ۳۸۲؛ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۶۹؛ کلینی، الکافی، ج ۷، ص ۳۲۶.
۲. طوسی، النهایة، ص ۷۷۵؛ شهید ثانی، الروضة البهیة، ج ۶، ص ۴۹۵.
۳. مفید، المقنعة، ص ۷۶۶؛ سیدمرتضی، المسائل الناصریات، ص ۳۹۱؛ طوسی، المبسوط فی فقه الإمامیة، ج ۷، ص ۱۲۱.
۴. طوسی، المبسوط فی فقه الإمامیة، ج ۷، ص ۱۲۲؛ کیدری، إصباح الشیعة بمصباح الشریعة، ص ۵۰۹؛ محقق حلّی، شرائع الإسلام، ج ۴، ص ۲۵۹.
۵. حلّی، غنبة النزوع، ص ۴۲۰؛ حلّی، السرائر الحاوی، ج ۳، ص ۴۰۷.
۶. حلّی، تلخیص المرام، ص ۳۶۹؛ فقعی، الدر المنضود، ص ۳۳۰.
۷. برای نمونه ر.ک: ژانت بالاسکاس، دائرة المعارف بارداری، ص ۲۳۱؛ استکی و همکاران، درسنامه اسکلتی و عضلانی، صص ۱۲۴-۱۲۶.

توسط بافتی انعطاف‌پذیر به هم متصل می‌شوند. نقاط نرم بین استخوان‌ها یعنی فونتانل‌ها در قسمت بالا و پشت سر نوزاد تازه متولدشده را می‌توان به خوبی حس کرد. فونتانل پشت سر معمولاً تا چهار ماهگی کودک بسته می‌شود؛ ولی فونتانل بالای سر معمولاً تا بعد از اولین سالگرد تولد کودک بسته نمی‌شود. در سه سال اول زندگی با سه برابر شدن وزن مغز و ایجاد ۱۰۰۰ تریلیون اتصال عصبی، حجمه به سرعت رشد می‌کند. رشد مغز از نظر اندازه و وزن، تا ۱۶ سالگی، و رشد حجمه تا ۲۰ سالگی ادامه می‌یابد.^۱



این طور به نظر می‌رسد که حجمه، یک استخوان بزرگ است؛ اما در واقع چندین استخوان اصلی وجود دارد که به هم متصل هستند. استخوان‌های اصلی تشکیل دهنده حجمه نوزاد، شامل موارد زیر است: استخوان‌های پیشانی، استخوان‌های جداری، و استخوان پس‌سری. این صفحات استخوانی، مغز را می‌پوشانند و توسط مواد فیبری به نام بخیه در کنار هم نگه‌داشته می‌شوند.

بخیه‌ها به استخوان‌ها اجازه می‌دهند که در طول فرآیند زایمان حرکت کنند. آنها مانند یک مفصل انبساط عمل می‌کنند. این حالت، به استخوان اجازه می‌دهد تا با رشد مغز و بزرگ شدن آن، حجمه به‌طور یکنواخت بزرگ شود. در نتیجه یک سر به شکل متقارن تشکیل می‌شود. برخی از بخیه‌ها تا پیشانی، و برخی دیگر به طرفین و پشت حجمه کشیده می‌شوند. یک بخیه در وسط حجمه از جلوی سر تا پشت امتداد دارد.

فونتانل (فضای بین استخوان‌های حجمه نوزاد) در محل تلاقی بخیه‌ها وجود دارد که

۱. مرکز اطلاعات ملی بیوتکنولوژی، کتابخانه ملی پزشکی، مدل آماری هندسه حجمه کودکان، ۷ ژوئن/۲۰۲۲، <https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC4436309/>

توسط غشاهای سختی پوشیده شده‌اند که از بافت‌های نرم زیرین و مغز محافظت می‌کنند.^۱ درزها و ملاح‌های نرم جمجمه کودک به تدریج در چهار ماهگی، برخی در دوازده ماهگی، بعضی در هجده ماهگی و برخی در دو سالگی، سفت و محکم می‌شوند. البته در نظر عده‌ای از پزشکان، جمجمه تا هفت سالگی رشد می‌کند و قسمت غضروفی آن، استخوانی می‌شود. دیدگاهی هم وجود دارد که این تبدیل بافت نرم استخوانی را تا سن سیزده سالگی و حتی در مواردی تا بیست سالگی می‌داند.^۲

شکستگی جمجمه: شکستگی جمجمه به صورت چهار نوع اصلی وجود دارد که شامل شکستگی‌های خطی، دیاستازیک، بنیادین و فرورفتگی جمجمه می‌شود. در شکستگی خطی استخوان دچار شکستگی شده، اما جابه‌جا نمی‌شود. این نوع شکستگی معمولاً خطرناک نیست. شکستگی دیاستازیک در راستای درزهای استخوان جمجمه اتفاق می‌افتد و درزهای طبیعی، عریض‌تر می‌شوند. این نوع شکستگی اغلب در نوزادان دیده می‌شود. شکستگی بنیادین، جدی‌ترین نوع شکستگی است که در استخوان پایه جمجمه رخ می‌دهد. در این نوع شکستگی احتمال تخلیه مایع مغزی ناشی از پارگی بخشی از پرده مغزی وجود دارد. فرورفتگی جمجمه ممکن است با شکاف یا بدون شکاف، در پوست سر دیده شود. در این شکستگی بخشی از جمجمه در اثر ضربه فرو می‌رود.^۳

ماجرای
پدیده‌های طبی

دیده و ارش
شکستگی
جمجمه کودک

شکستگی جمجمه کودک از منظر حقوقی

قانون‌گذار در فروع مختلف آسیب‌ها و جراحات سر و صورت، حکم دیه و ارش و میزان آن را بر اساس آسیب‌های وارد شده، در ماده ۷۰۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ش. بیان کرده است. طبق مقررۀ ماده مذکور، هاشمه (جنایتی که موجب شکستگی استخوان شود، گرچه جراحی ایجاد نکند) ده صدم دیه کامل، منقله (جنایتی که درمان آن

۱. استکی و همکاران، درسنامه اسکلتی و عضلانی، صص ۱۲۴-۱۲۶.

۲. 'Anatomy of a Newborn Baby's Skull', BRIGHAM AND WOMEN'S HOSPITAL, ۲۰۲۲/

ژوئن/۲۰۲۲, <https://healthlibrary.brighamandwomens.org/Search/۰۱۸۴۰,P۹۰>

۳. مرکز اطلاعات ملی بیوتکنولوژی، کتابخانه ملی پزشکی، مدل آماری هندسه جمجمه کودکان، ۲۰۲۲/ ژوئن/

<https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC4436309/>, ۲۰۲۲

جز با جابه‌جا کردن استخوان میسر نباشد) پانزده صدم دیه کامل، مأمومه (جراحی که به کیسه مغز برسد) یک سوم دیه کامل را در پی دارد و دامغه (صدمه یا جراحی که کیسه مغز را پاره کند) علاوه بر دیه مأمومه، موجب ارش پاره شدن کیسه مغز نیز می‌باشد.

ظاهر قانون مذکور این است که تفاوتی بین سنین مختلف در حکم وجود ندارد، و در فرضی که شکستگی بین استخوان و غضروف امتداد دارد، دیه شکستگی استخوان جمعیه کودک برابر با بزرگسال است. البته بعید به نظر می‌رسد قانون‌گذار به تفاوت استخوان جمعیه در سنین مختلف کودکی توجه داشته است. در هر صورت ظاهر قانون در مقام بیان تکلیف شکستگی جمعیه است و اطلاق دارد.

طبق ماده ۵۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ش. در تعدد جنایات، اصل بر تعدد دیات و عدم تداخل آنهاست؛ مگر مواردی که در قانون، خلاف آن مقرر شده باشد. بر این اساس در صورت تعدد شکستگی در جمعیه کودک، باید به دیه متعدد حکم شود. از طرفی طبق ماده ۵۴۱ قانون مجازات اسلامی، هرگاه در اثر ضربه یا رفتار دیگر، آسیب‌های متعدد در اعضای بدن به وجود آید، چنانچه هریک از آنها در اعضای مختلف باشد یا همه در یک عضو بوده، ولی نوع هر آسیبی غیر از نوع دیگری باشد، و یا از یک نوع بوده ولی در دو یا چند محل جداگانه از یک عضو باشد، هر آسیب، دیه جداگانه دارد. اطلاق این ماده شامل جمعیه کودک می‌شود؛ زیرا اگرچه بنابر فرض مسأله، ضربه و نوع آسیب یکی است، ولی به‌خاطر تعدد محل شکستگی، موضوع دیه متعدد است.

از آنجا که ماده ۷۰۹ قانون مجازات اسلامی درصدد بیان کلیت حکم جراحات سر و صورت است، قابل استناد برای یکی بودن شکستگی در این مسأله نیست. شاهد مدعا اینکه، اگر شکستگی متعددی توسط دو شخص بر یک جمعیه اتفاق بیفتد، و یا دو شکستگی جداگانه توسط یک نفر بر جمعیه رخ دهد، با تمسک به ماده ۵۳۸ و ماده ۵۴۱ حکم به تعدد دیه تعیین شده در ماده ۷۰۹ خواهد شد. این مثال به خوبی بیان می‌کند که ماده ۷۰۹ درصدد بیان اصل دیه جراحات سر و صورت و شکستگی جمعیه است و در مقام بیان وحدت و تعدد شکستگی نیست. بنابراین نمی‌توان به اطلاق ماده ۷۰۹ تمسک کرد و شکستگی جمعیه کودک را طبق این ماده دارای یک دیه دانست و با توجه به تعدد شکستگی ناشی از

تعدد محل در جمجمه کودک، بنابر ماده ۵۳۸ و ۵۴۱ حکم به دیه، متعدد می‌شود.

شکستگی جمجمه کودک از منظر فقهی

آسیب‌زدن به جمجمه به طوری که منجر به شکستن آن شود، اصطلاحاً هاشمه نام دارد، و در نظر فقیهان ثبوت دیه را به مقدار ده شتر (ده صدم دیه کامل) به دنبال دارد.^۲ البته در حالت خطا، به ربع ده شتر و در حالت شبه عمد، به ثلث ده شتر تبدیل می‌شود. شکستگی قصاص ندارد و دیه در آن ثابت است؛ اگرچه زخم و جراحتی در پی نداشته باشد.^۳

در مقدار دیه شکستگی جمجمه اختلافی بین فقها نیست. در روایتی که سکونی از امام علی علیه السلام نقل می‌کند، حضرت درباره هاشمه به دیه ده شتر قضاوت کرد.^۴ لفظ هاشمه ظهور در شکستگی دارد؛ زیرا هشم یعنی شکستن و به گیاه خشک شکسته هشیم^۵، و به شکستگی استخوان جمجمه، هاشمه گفته می‌شود.^۶ پس روایت بر دیه شکستگی جمجمه دلالت دارد. درباره سند روایت، برخی روایت را معتبره نامیده‌اند؛ چون سکونی واسطه‌ها را تا امیرالمؤمنین علیه السلام ذکر نکرده است.^۷ البته این از مواردی است که اشکالی بر آن نیست؛ زیرا سکونی روایت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امام علی علیه السلام را به واسطه امام صادق علیه السلام نقل می‌کند.^۸

صرف نظر از تصریحات فقها در مطلق شکستگی جمجمه، در شکستگی جمجمه کودکان دو نظریه قابل شکل‌گیری است؛ اول: برابری دیه و ارش شکستگی با بزرگسالان که در نتیجه دیه یکی می‌باشد. دوم: تعدد دیه در فرض آسیب به غضروف و استخوان مجاور از استخوان‌های جمجمه کودک.

پیش از بررسی ادله دو وجه مذکور، در ادامه اصل اولی در مسئله بررسی می‌شود.

ما اجبت
پژوهش‌های قضایی

دیه و ارش شکستگی جمجمه کودک

۱. هاشمی شاهرودی و جمعی از پژوهشگران، فرهنگ فقه، ج ۳، ص ۱۰۲.

۲. حلی، قواعد الأحكام، ج ۳، ص ۶۹۰.

۳. تبریزی، تنقیح مبانی الأحكام، ص ۲۷۸.

۴. عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۹، ص ۳۸۲؛ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۶۹.

۵. تبریزی، تنقیح مبانی الأحكام، ص ۲۷۸.

۶. هاشمی شاهرودی و جمعی از پژوهشگران، فرهنگ فقه، ج ۳، ص ۱۰۲.

۷. خوبی، مبانی تکملة المنهاج، ج ۴۲، ص ۴۷۰.

۸. تبریزی، تنقیح مبانی الأحكام، ص ۲۷۸.

تأسیس اصل

بر اساس قاعده کلی و اصل اولی برگرفته از فقه هر جنایت، مسئولیت متمایزی را به دنبال دارد. اصل عدم تداخل دیه، در کتاب‌های فقهی به شکل‌های مختلفی مورد توجه قرار گرفته است.^۱ بنابراین در فرضی که جنایت، موجب ثبوت دیه باشد، به میزان و تعدد آسیب‌های وارد شده، دیه ثابت خواهد بود. پس در صورت محرز شدن تعدد آسیب‌ها، اصل بر دیه متعدد است.

ضمناً اصل دیگری به نام اصل عدم دیه مازاد در فرض شک نیز وجود دارد که با وجود اصل عدم تداخل، نوبت به آن نمی‌رسد؛ زیرا اصل عدم دیه مازاد، اصل عملی است؛ در حالی که اصل عدم تداخل، از ظواهر ادله‌ای که درصدد بیان دیه آسیب‌ها است گرفته شده است؛ به این بیان که با تعدد موضوع، حکم متعدد می‌شود. برای مثال، شکستگی استخوان، موضوع دیه خاصی است و با فرض شکستگی متعدد، موضوع دلیل، متعدد است. بنابراین دیه بیان شده برای هر شکستگی جدا محاسبه خواهد شد. به بیان دیگر، این روایات، دال بر عدم تداخل اسباب (موضوع) و عدم تداخل مسببات (حکم) می‌باشند و این چیزی جز برداشت از متن دلیل نیست. بنابراین قاعده عدم تداخل، برگرفته از اماره است^۲، و با وجود اماره نوبت به اصل عملی عدم دیه مازاد نمی‌رسد.

نظریه نخست: دیه برابر

همان گونه که اشاره شد، مسئله شکستگی مجمله در کتب فقهی به صورت مطلق بیان شده است.^۳ ممکن است اطلاق کلام فقها موجب ایجاد چنین تبادری شود که در نظر ایشان دیه شکستگی مجمله در فرض کودکی و بزرگسالی متفاوت نبوده و در نحوه تعیین دیه فرقی ایجاد نمی‌کند. در صورت صحت چنین ادعایی باید فقها را در زمره طرفداران نظریه اول قرار داد. ولی همان گونه که در نقد ادله بیان خواهد شد، چنین برداشتی ناشی از

۱. صیمری، غایة المرام، ج ۴، ص ۴۶۴؛ اردبیلی، مجمع الفائدة و البرهان، ج ۱۴، ص ۳۶۲؛ نجفی، جواهر الکلام، ج ۴۳، ص ۳۱۱.
 ۲. مراغی، العناوین الفقهیة، ج ۱، ص ۲۴۲.
 ۳. برای نمونه ر.ک: خمینی، تحریر الوسیلة، ج ۲، ص ۵۹۳؛ فاضل لنکرانی، تفصیل الشریعة، ص ۲۵۰.

اسلوب‌های استوار شناخت ظواهر نیست. البته برخی از فقها در پاسخ به استفتائی در این زمینه، نظر به نبود فرق بین کودکان و بزرگسالان داده‌اند.^۱

طبق نظریه اول، تفاوتی میان جمجمه کودک و بزرگسال نیست و اگرچه استخوانی و غضروفی بودن جمجمه در کودکی منجر به تعدد شکستگی می‌شود، ولی این تعدد شکستگی، موضوع تعدد دیه و ارش نیست. بنابراین در کودکان، در صورتی که یک شکستگی رخ دهد و این شکستگی به آسیب غضروف یا استخوان متصل به آن منتهی شود، ده صدم دیه کامل تعیین می‌شود.

برای این دیدگاه چند دلیل می‌توان بیان کرد که ذیلاً بررسی می‌شود.

دلیل اول: عدم خلاف

در بین فقها اختلافی در میزان دیه شکستگی جمجمه نیست و در این حکم تعبیر «لا خلاف» می‌شود.^۲ معقد این اجماع فاقد هرگونه تفصیل بین سنین مختلف و شرایط متفاوت جمجمه است. بنابراین از این اطلاق می‌توان فهمید که در ارتکاز فقها در حکم فروض مختلف مسأله تفاوتی نیست.

مباحث

پرونده قضی

بده و ارش شکستگی جمجمه کودک

اما باید در نظر داشت که تعبیر «لا خلاف»، قابلیت استناد برای استنباط حکم را ندارد؛ زیرا رتبه آن در حد اجماع نیست، و بر فرض اینکه در حد اجماع باشد نیز به دلیل منقول بودن، قابل استناد نیست. حتی در صورت چشم‌پوشی از اشکال سابق نیز چنین اجماعی به دلیل مدرکی بودن یا احتمال مدرکی بودن، محل خدشه است.

اما فارغ از این بحث، به نظر می‌رسد سکوت بزرگان نسبت به مسئله، این احتمال را در ذهن تداعی می‌کند که موضوع گسسته بودن استخوان‌های جمجمه در کودک و نوجوان مغفول مانده و اساساً فقها به آن ورود نکرده‌اند تا محل اجماع یا اختلاف قرار گیرد.

البته ممکن است تصور ایشان از یکپارچه بودن استخوان سر کودکان، آنها را به عدم تفصیل سوق داده باشد؛ ولی با توجه به وضوح غضروفی بودن ملاج سر کودکان و اختلاف

۱. شبیری‌زنجانی، دفتر معظم‌له، استفتاء ۱۵۳۶۵؛ سبحانی، دفتر معظم‌له، استفتاء ۱۳۴۹۰؛ صافی، دفتر معظم‌له، استفتاء ۳۱۰؛ علوی‌گرگانی، دفتر معظم‌له، استفتاء ۱۶۱۹۹.
۲. تبریزی، تنقیح مبانی الأحكام، ص ۲۷۸؛ خوبی، مبانی تکملة المنهاج، ج ۴۲، ص ۴۷۰.

بافت در جمجمه آنها، این احتمال بعید است.

دلیل دوم: اطلاق روایات

مراجعه به روایات دیه جمجمه نیز نشان می‌دهد، همان گونه که کلام فقها در بیان شکستگی جمجمه دارای اطلاق است، روایات مسأله نیز مطلق بوده و نسبت به کودک و بزرگسال تفصیلی نداده‌اند. این روایات عبارتند از:

۱. معتبره سکونی

عن السکونی «أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَضَى فِي الْهَاشِمَةِ بِعَشْرِ مِنَ الْإِبِلِ»؛ امیر

المؤمنین عليه السلام درباره هاشمه به دیه ده شتر قضاوت کرد.^۱

سند شیخ طوسی به روایت چنین است: «محمد بن الحسن الصفار عن علي بن إبراهيم بن هاشم عن النوفلي عن السکونی». شیخ طوسی سند خود را به محمد بن صفار، در مشیخه چنین نقل کرده است: «و ما ذکرته في هذا الكتاب عن محمد بن الحسن الصفار فقد أخبرني به الشيخ أبو عبد الله محمد بن محمد بن النعمان و الحسين بن عبيد الله و احمد بن عبدون كلهم عن أحمد بن محمد بن الحسن بن الوليد عن أبيه. و أخبرني به أيضاً ابوالحسين بن أبي جيد عن محمد بن الحسن بن الوليد عن محمد بن الحسن الصفار...»^۲

در ارزیابی سند یاد شده باید گفت: سکونی مورد اعتماد است؛ زیرا شیخ طوسی نقل می‌کند علمای امامی به روایات حفص بن غیاث، غیاث بن کلوب، نوح بن دراج و سکونی از علمای عامه عمل می‌کردند.^۳ درباره نوفلی (حسین بن یزید نوفلی) توثیق صریحی نرسیده است؛ ولی از اینکه کتاب و روایات سکونی به وسیله نوفلی رسیده است، معلوم است که دانشمندان از ناحیه نوفلی اشکالی در وی نداشته‌اند.^۴ در مورد ابراهیم بن هاشم، از علمای شیعه نه در قول، و نه در نص، در مذمت و تضعیف او، سخنی یافت نشده است.

ما اجتهاد
پژوهش‌های فقهی

سال هفتم، شماره ۱۳، بهار و تابستان ۱۴۰۲

۱. طوسی، تهذیب الأحكام، ج ۱۰، ص ۲۹۳.

۲. همان، المشیخه، ص ۷۳.

۳. همو، العدة، ج ۱، ص ۱۴۹.

۴. شبیری زنجانی، نکاح، ج ۱۷، ص ۵۳۴۵.

ضمن اینکه روایات نقل شده از او بسیار، و ترجیح در پذیرش قول او است.^۱ محمد بن حسن بن فروخ الصفار نزد علمای قم وجیه و راوی مورد وثوق و جلیل القدر است.^۲ محمد بن محمد بن نعمان همان شیخ مفید است که فضل او در فقه و حدیث و ثقه بودن، مشهورتر از آن است که بیان شود.^۳ همچنین حسین بن عبیدالله یا همان ابن غضائری، شیخ و استاد نجاشی است.^۴ احمد بن عبدون از مشایخ نجاشی و مورد وثوق است.^۵ ولی احمد بن محمد بن حسن بن ولید وثاقتش ثابت نیست.^۶ محمد بن حسن بن ولید قمی راوی جلیل القدر و مورد وثوق است.^۷ و سند دوم شیخ به صفار نیز با وجود ابوالحسین بن ابی جید که ثقه و حدیثش صحیح است^۸، قابل اعتماد است.

اما شیخ صدوق که این روایت را مستقیماً از سکونی نقل کرده، سند خود را به سکونی چنین می نویسد: «و ما کان فیہ عن إسماعیل بن مسلم السکونی الکوفی فقد رویتہ عن أبي و محمد بن الحسن رضي الله عنهما - عن سعد بن عبدالله عن إبراهيم بن هاشم عن الحسين بن يزيد النوفلي عن إسماعيل بن مسلم السکونی...»^۹

بحث از برخی افرادی که در سلسله راویان قرار دارند، پیش تر بیان شد. همچنین سعد بن عبد الله بن ابی خلف اشعری قمی، شیخ الفقها، وجیه و ثقه بوده است.^{۱۰} علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی نیز بزرگ علمای قم در عصر خود، و فقیه و مورد وثوق بود.^{۱۱} بررسی راویان سند نشان می دهد، این سند تا سکونی قابل اعتماد است. ولی اشکالی که وجود دارد این است که سکونی به دلیل فاصله زمانی نمی تواند از امیرالمؤمنین (علیه السلام) نقل

۱. حلی، رجال، ص ۴.
۲. نجاشی، رجال، ص ۳۵۴.
۳. همان، ص ۳۹۹.
۴. همان، ص ۶۹.
۵. خویی، معجم رجال الحدیث، ج ۲، ص ۱۵۲.
۶. همان، ج ۳، ص ۴۴.
۷. طوسی، الفهرست، ص ۱۵۶.
۸. بروجردی، الفوائد الرجالية، ج ۳، ص ۸۷.
۹. صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۶۹.
۱۰. همان، ص ۱۷۷.
۱۱. همان، ص ۲۶۱.

حدیث کند و این سؤال مطرح می‌شود که چگونه با نبود این واسطه، سند معتبر دانسته شده است؟!^۱ محقق تبریزی پاسخ این ابهام را در معهود بودن روایت سکونی از امام علی علیه السلام و از رسول خدا صلی الله علیه و آله به واسطه امام صادق علیه السلام دانسته است.^۲ در نتیجه می‌توان گفت روایت از امام صادق علیه السلام صادر شده است.

۲. مرسله دعائم

و عن علي و أبي جعفر و أبي عبد الله عليهم السلام «أَنَّهُمْ قَالُوا فِي الْهَاشِمَةِ مِائَةٌ دِينَارٍ وَ هِيَ الَّتِي تَهْشِمُ عَظْمَ الرَّأْسِ»؛ از امام علی و امام باقر و امام صادق علیهم السلام نقل شده است که فرمودند: در هاشمه صد دینار لازم است، و آن شکستگی ای است که در استخوان سر ایجاد می‌شود.^۳

سند روایت مرسل است و کتاب دعائم نیز قابل اتکا نیست.

۳. صحیح حلبی

علي بن ابراهيم عن أبيه عن ابن أبي عمير عن حماد عن الحلبي عن أبي عبد الله عليه السلام «قَالَ: فِي ... الْمُنْقَلَةِ خَمْسَ عَشْرَةَ مِنَ الْإِبِلِ»؛ امام صادق علیه السلام فرمود: در منقله پانزده شتر است.^۴ راویان این روایت همگی از بزرگانند و صحیح بودن سند کاملاً روشن است؛ اگرچه تا حدودی در ابراهیم بن هاشم، پدر علی بن ابراهیم بحث است، اما گذشت که مورد اعتماد بزرگان است.

در روایات دیگری به دیه منقله که از شکستگی‌های مربوط به سر است، اشاره شده است.^۵ روشن است که در این روایات، نسبت به سن مجنی‌علیه، یا کودکی و بزرگ‌سالی وی در مسئله شکستگی جمجمه اشاره نشده است، و این حاکی از اطلاق حکم دیه برابر در همه افراد، بدون هیچ تفصیلی است. همچنین از این روایات استفاده می‌شود موضوع دیه در شکستگی استخوان سر، آسیب‌های وارد بر آن است، نه شکستگی مطلق جمجمه.

۱. ر.ک: خویی، مبانی تکملة المنهاج، ج ۴۲، ص ۴۷۰؛ سبزواری، مهذب الأحكام، ج ۲۹، ص ۲۹۲.

۲. تبریزی، تنقیح مبانی الأحكام، ص ۲۷۸.

۳. مغربی، دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۴۳۹.

۴. کلینی، الکافی، ج ۷، ص ۳۲۶.

۵. همان، صص ۳۲۶-۳۲۸: «بَابُ دِيَةِ الْجِرَاحَاتِ وَالسَّجَاجِ».

بنابراین نمی‌توان چنین ادعا کرد که هرگونه شکستگی مجموعه، هرچند متعدد باشد، یک شکستگی به شمار می‌آید.

اما باید در نظر داشت که در روایات وارد شده، معصوم در مقام بیان میزان دیه شکستگی مجموعه بوده است و قرینه متصل یا منفصلی بر تقیید در کلام نسبت به بزرگسال نیست. با توجه به مبتلابه بودن مسأله و قرینه سیره متشرعان و عرف عقلا بر عدم فرق بین دیه کودک و بزرگسال، احتمال انصراف روایات به بیان میزان دیه بزرگسال به عنوان فرد متعارف از انسان نیز ضعیف به نظر می‌رسد.

اشکال اساسی در اختصاص این روایات به مقام بیان حکم هاشمه است. بنابراین نمی‌توان به چنین نصوصی برای چگونگی شناخت موضوع استناد کرد؛ زیرا در مقام بیان حکم، موضوع، مفروض لحاظ شده و گوینده حکم را نسبت به موضوع مفروض بیان می‌کند و به اصطلاح حکم، موضوع ساز نیست. در نتیجه روایاتی که در مقام بیان حکم هاشمه هستند، ربطی به موضوع شناسی از نظر کمی و کیفی ندارند. بنابراین اگر در فرضی عرفاً دو هاشمه رخ دهد، حکم نیز متعدد می‌شود و این ربطی به اطلاق و عدم اطلاق روایات مذکور ندارد.

دلیل سوم: ارتکاز متشرعان

در صورتی که ارتکاز متشرعان، ناشی از انس با مسائل شریعت بوده و در شکل‌گیری آن خود شرع دخیل باشد، و فقیه را به صورت قطعی به نظر شارع برساند، از ادله لیبی به شمار می‌رود.^۱ به نظر می‌رسد در باور متشرعان، در بحث شکستگی مجموعه تفصیلی بین افراد به لحاظ سنی وجود ندارد و این نشان می‌دهد که در شریعت یک حکم کلی برای همه افراد ایجاد شده است.

البته حتی بر فرض پذیرش وجود ارتکاز متشرعان در مسأله، این ارتکاز ناشی از فتاوی فقها و به اصطلاح مدرکی است یا لااقل احتمال آن وجود دارد. دلیل این ادعا مبتلابه بودن مسأله، مطرح شدن آن در کلمات فقها، و اظهار نظر بیشتر ایشان نسبت به آن می‌باشد. بنابراین نمی‌توان به طور جزم آن را ارتکازی تبعیدی دانست. به بیان دیگر وجود احتمال مدرک

۱. حکیم، مستمسک العروة الوثقی، ج ۴، ص ۷۴؛ خوبی، موسوعة الإمام الخوئی، ج ۲۱، ص ۳۷.

در سیره متشرعان، اطمینان به اتصال سیره به زمان معصوم و اعتبارش را مخدوش می‌سازد.

دلیل چهارم: یکتایی آسیب عرفی

جمجمه کودک از نظر عرف، استخوان یکپارچه نیست و به خصوص در قسمت ملاح که استخوانی شدن غضروف مدت‌ها طول می‌کشد، تردیدی در تعدد بافت استخوان سر کودکان وجود ندارد. ولی با این حال اگر آسیب شکستگی استخوان به غضروف ادامه یابد، از نظر عرف آسیب متعدد محسوب نمی‌شود. در واقع از نظر عرف، غضروف ادامه استخوان است و این موجب تعدد آسیب نیست.

اما باید دقت داشت که نظر اشتباه عرف در زمان معصومین حجت نیست و در صورتی که عرف آن زمان به اشتباه جمجمه را یکپارچه بداند، اما امروزه با افزایش اطلاعات پزشکی در میان مردم نظر دیگری شکل گیرد، حکم نیز باید تغییر کند. یا اگر در آن زمان آسیب خاصی یک آسیب به شمار می‌آمده، ولی الان به دلایل افزایش دقت افراد جامعه، آسیب متعدد به شمار آید، باید همان ملاک عمل قرار گیرد. در نتیجه ممکن است نوعی از آسیب در زمان معصوم یک آسیب محسوب شود و در زمان ما آسیب متعدد. شاهد سخن اینکه امروزه در تصادفات، آسیب‌های بسیار بیشتری توسط دستگاه‌های دقیق پزشکی کشف می‌شود، و در نتیجه مقدار دیه و ارش بیشتری محاسبه می‌شود.

پاسخ این دلیل آنکه اولاً ادعای اشتباه عرف زمان معصوم در مسئله مورد گفتگو دلیلی ندارد؛ چراکه به نظر نمی‌رسد عرف این زمان نسبت به زمان گذشته تغییر محسوسی پیدا کرده باشد. دست‌کم نسبت به این مسئله، ادعای جزمی نارواست. در نتیجه رجوع به عرف زمان ما می‌تواند کاشف از عرف زمان معصوم باشد. دلیل ادعا اینکه استخوانی نبودن ملاح در کودکان امر پنهانی نیست و اختصاص به زمان ما هم ندارد. البته این به معنای متعدد دانستن استخوان نیست؛ زیرا بعید نیست که در دید عرف، غضروف ادامه همان استخوان دیده شود، نه به عنوان بافت مستقل و متمایز.

از سوی دیگر آسیب ممتد در بافت استخوانی و غضروفی نیز یک آسیب به شمار می‌رود؛ زیرا امروزه در موارد مشابه مانند آسیبی که در گوشت نفوذ کرده و به استخوان امتداد یافته، عرفاً آسیب متعدد محسوب نمی‌شود. در حالی که مورد بحث ما از این مورد

روشن‌تر است. بنابراین بدون تردید، عرف حکم به تعدد آسیب حکم نمی‌کند.

ثانیاً از نظر برخی از بزرگان چنین دیدگاهی از نظر اسلوب فهم متن موجب کژاندیشی در فهم نصوص است؛ زیرا فهم کلام معصوم مستلزم کشف ظهور نسبت به مخاطب است و ارتکازات مخاطب به عنوان قرینه لبی برای استظهار از نص لحاظ می‌شود.^۱ در نتیجه نمی‌توان رویه متعارف زمان معصوم در تطبیق عناوین را کنار گذاشت. برای نمونه هرچند در مواردی با دقت‌های امروزی کشف خلاف می‌شود، اما نحوه احراز اول ماه که در زمان معصوم با رؤیت چشم غیر مسلح صورت می‌گرفت، نباید کنار گذاشته شود؛ زیرا معصوم در عین علم به واقعیات و همچنین آگاهی به نحوه تطبیق مردم با مخاطب سخن گفته، بدون اینکه نحوه تطبیق ایشان را رد کرده یا به خطا تذکر داده باشد. از این منظر، رضایت معصوم نسبت به رویه معمول بین مردم قابل استنتاج است. البته این اشکال مبنایی است و ممکن است از دیدگاه مخالف، نحوه تطبیق، در استظهار دخیل نباشد و بنابراین در موضوع اول ماه قمری، رؤیت با چشم مسلح نیز کافی دانسته شود.

لازم به ذکر است قیاس این بحث به آسیب‌های متعدد کشف شده به وسیله دستگاه‌های پیشرفته صحیح نیست؛ زیرا معیار مصداقیابی با معیار تطبیق که امری کلی است، متفاوت است. ملاک در مصداقیابی، دقت، اطمینان و رجوع به اهل خبره است.^۲ ولی در تطبیقات کلی همانند ظهورشناسی، قضاوت و رویه‌های عرف مرجع است.

نظریه دوم: دیه مازاد

نظریه مستقل بودن دیه و ارش کودک در نتیجه تعلق دیه مازاد بر شکستگی جمجمه، در فرضی که شکستگی در دو بافت استخوان و غضروف پدید آمده باشد نیز از ادله قابل اتکایی برخوردار است. برخی محققین، معیار را تعدد استخوان دانسته‌اند.^۳ طبق این نظر، شکستگی جمجمه کودک و بزرگسال لزوماً دارای دیه و ارش یکسان نیست. در نتیجه در صورت تعدد شکستگی، موضوع دیه و ارش نیز تعدد می‌شود. بنابراین در صورت شکستگی استخوان و

۱. صدر، بحوث فی علم الأصول، ج ۶، ص ۳۹.

۲. اصفهانی نجفی، هدایة المسترشدين، ج ۱، ص ۴۵۷.

۳. مکارم شیرازی، دفتر معظم‌له، استفتاء ۶۵۶۸۳۴.

غضروف جمجمه، دیه متعدد ثابت است و کودکان در شکستگی استخوان جمجمه، ده صدم دیه کامل را خواهند داشت و شکستگی غضروف، موضوع ارش خواهد بود. این دیدگاه طبق ظهور ادله دیه هاشمه و قاعده اصلی شکستگی، و اصل عدم تداخل دیات قابل توجیه است.

دلیل اول: صدق تعدد هاشمه

همان گونه که مشهود است در روایات شکستگی استخوان سر، موضوع دیه، هاشمه و منقله است و از آنجا که با تعدد شکستگی ناشی از تعدد استخوان، صدق تعدد هاشمه و منقله بعید نیست، می توان با تمسک به این روایات قائل به تعدد دیه شد؛ زیرا موضوع، شکستگی استخوان است و در صورت تعدد استخوان، عرف به یکی بودن شکستگی نظر نمی دهد.

نقد اساسی نسبت به این ادعا، این است که چنین نسبتی به عرف محل تردید جدی است. البته از نگاه پزشکی و نظر دقیق، آسیب به دو استخوان و یک غضروف وارد شده است. ولی نظر دقیق، معیار تعیین صدمات نیست؛ بلکه دید عرف ملاک است. بر این اساس، چون غضروف ادامه استخوان است و فقط به لحاظ جنس و بافت، دارای دوگانگی است، چنین آسیبی، آسیب متعدد محسوب نمی شود. برای نمونه جراحی که از بالای شانه کشیده شده، و به بالای دست رسیده، در نگاه عرف دو جراحت محسوب نشده، بلکه یک آسیب است که در دو عضو امتداد دارد. و یا جراحت یا نافذی که با ایجاد جراحت در پوست، وارد استخوان شده، دو آسیب (آسیب به بافت غیراستخوانی و آسیب به بافت استخوان) به شمار نیامده، و مجموعاً یک آسیب محسوب می شود. تردیدی نیست که عرف معیار تعدد و یکتایی آسیب است نه نظر دقیق کارشناسی؛ زیرا عرف مرجع تطبیق مفاهیم است و همان گونه که تعیین صدق هاشمه بر عهده عرف است، تعیین کثرت و وحدت آن نیز بر عهده عرف است.

بر این اساس در عین حال که عرف در کودکان، میان قسمت های استخوانی و ملاح سر کودک که دارای نرمی واضح است، منکر تعدد بافت نیست، ولی اختلاف بافت را موجب تعدد آسیب نمی داند و آسیب متصل در آنها را یک آسیب امتداد یافته می بیند.

دلیل دوم: قاعده عدم تداخل دیات

انصراف ادله و فتاوا به فرد متعارف از هر عنوان، موجب این تصور می‌شود که در کلام فقها به حکم شکستگی جمجمه کودک اشاره نشده است. دلیل انصراف، این است که عنوانی که در روایات یا فتاوا، موضوع حکم شرعی قرار داده می‌شود، افراد متعارف آن موضوع هستند و از آنجا که جمجمه افراد بزرگسال متعارف محسوب می‌شود، در نتیجه دیه بیان شده برای شکستگی جمجمه منصرف به حالت بزرگسالی است. پس باید نسبت به شکستگی استخوان جمجمه کودک به قواعد کلی شکستگی بازگشت. و فرض بر تعدد بافت و استخوان، و در نتیجه تعدد شکستگی، و اصل بر عدم تداخل دیات است. بنابراین طبق فتاوی مذکور در جمجمه که برای شکستگی آن، ده صدم دیه کامل در نظر گرفته شده است، به شکستگی استخوان، دیه شکستگی جمجمه، و بر آسیب به بافت غضروفی جمجمه کودک، ارش مستقل تعلق می‌گیرد. و اگر شکستگی ادامه پیدا کرده و موجب شکستگی استخوان مجاور شده باشد، یک دیه شکستگی نیز اضافه شود.

البته رجوع به قاعده کلی شکستگی در فرضی که دلیل معتبر و خاصی برای اثبات دیه یا عدم دیه وجود ندارد، بر ضوابط استنباط منطبق است. ولی با توجه به برخی از ادله ارائه شده برای برابری دیه و ارش شکستگی جمجمه کودکان و بزرگسالان، از جمله دیدگاه عرف نسبت به یکی بودن شکستگی، نوبت به اصل عدم تداخل دیات نمی‌رسد. بلکه اساساً موضوعی برای این اصل شکل نمی‌گیرد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

دو نظریه محوری درباره شکستگی جمجمه کودک که دارای استخوان جدا می‌باشد، وجود دارد. طبق یک نظریه، شکستگی جمجمه کودک مانند شکستگی جمجمه بزرگسال بوده و در نتیجه دارای دیه و ارش یکسان می‌باشد. طبق نظریه دیگر، شکستگی جمجمه کودک به دلیل تعدد بافت استخوانی و غضروفی و در نتیجه تعدد شکستگی، موجب تعدد مسئولیت است.

مطالعه ادله و مستندات، نشان از صحت دیدگاه برابری دیه کودک و بزرگسال دارد؛ زیرا هرچند اختلاف جنس بافت سر کودکان برای عرف امر ظاهری است ولی با این حال، نظر

عرف بر یکی بودن آسیب، در فرض امتداد شکستگی از استخوان به غضروف، ملاک معتبری برای تعیین دیه برابر با بزرگسالان است. هرچند بعید نیست عرف به دلیل اینکه غضروف را ادامه استخوان می‌بیند، حکم به یکپارچه بودن جمجمه کودکان کند. این دیدگاه موافق با اصل عدم تعلق دیه مازاد است و با اطلاق کلمات فقها در بیان دیه شکستگی جمجمه، و ارتکاز مشرعان مبنی بر یکی بودن دیه در کودکی و بزرگسالی تأیید می‌شود.

منابع و مأخذ

۱. اردبیلی، احمد، مجمع الفائدة و البرهان في شرح ارشاد الأذهان، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چ ۱، ۱۴۰۳ق.
۲. استکی، علی، و همکاران، درسنامه اسکلتی و عضلانی، تهران: دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی - دانشکده پزشکی، چ ۳، ۱۳۸۴ش.
۳. اصفهانی نجفی، محمد تقی، هدایة المسترشدين في شرح أصول معالم الدين، قم: مؤسسه نشر اسلامی، چ ۲، ۱۴۲۹ق.
۴. بالاسکاس، ژانت، دائرة المعارف بارداری و تولد، تهران: محمد، چ ۱، ۱۳۷۴ش.
۵. بروجردي، بحر العلوم، مهدی، الفوائد الرجالية، تهران: مکتبه الصادق علیه السلام، چ ۱، ۱۴۰۵ق.
۶. تبریزی، جواد، تنقیح مباني الأحكام - کتاب الديات، قم: دارالصدیقه الشهیده علیها السلام، چ ۱، ۱۴۲۸ق.
۷. حلبی، ابن زهره، حمزة بن علی حسینی، غنية النزوع إلى علمي الأصول و الفروع، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، چ ۱، ۱۴۱۷ق.
۸. حلّی، ابن ادریس، محمد بن منصور بن احمد، السرائر الحاوي لتحرير الفتاوى، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چ ۲، ۱۴۱۰ق.
۹. حلّی، محقق، نجم الدین، جعفر بن حسن، شرائع الإسلام في مسائل الحلال و الحرام، قم: مؤسسه اسماعیلیان، چ ۲، ۱۴۰۸ق.
۱۰. خراسانی، محمدکاظم، کفایة الأصول، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، چ ۱، ۱۴۰۹ق.
۱۱. شریف مرتضی، علی بن حسین موسوی، المسائل الناصريات، تهران: رابطه الثقافة و العلاقات الإسلامية، چ ۱، ۱۴۱۷ق.
۱۲. حکیم، محسن، مستمسک العروة الوثقی، قم: مؤسسه دارالتفسیر، چ ۱، ۱۴۱۶ق.
۱۳. حلّی، علامه، حسن بن یوسف، رجال العلامة - خلاصة الأقوال، نجف: منشورات المطبعة الحیدریة، چ ۲، ۱۳۸۱ق.

۱۴. _____، تلخیص المرام فی معرفة الأحکام، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چ ۱، ۱۴۲۱ق.
۱۵. _____، قواعد الأحکام فی معرفة الحلال و الحرام، قم: مؤسسه نشر اسلامی، چ ۱، ۱۴۱۳ق.
۱۶. خمینی، روح الله، تحریر الوسيلة، قم: دار العلم، چ ۱، ۱۳۷۹ش.
۱۷. خوبی، ابوالقاسم، مبانی تکملة المنهاج، قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئي، چ ۱، ۱۴۲۲ق.
۱۸. _____، معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرجال، [بی جا]: [بی نا]، ۱۴۱۳ق.
۱۹. _____، موسوعة الإمام الخوئي، قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئي، چ ۱، ۱۴۱۸ق.
۲۰. سبحانی، جعفر، المبسوط فی اصول الفقه، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، چ ۱، ۱۴۳۱ق.
۲۱. _____، بخش استفتائات دفتر آیت الله سبحانی، شماره ۱۳۴۹۰، ۱۴۰۰ش.
۲۲. سیزواری، عبدالاعلی، مهذب الأحکام، قم: مؤسسه المنار، چ ۴، ۱۴۱۳ق.
۲۳. هاشمی شاهرودی، محمود، جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، فرهنگ فقه مطابق با مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم: مؤسسه دائرة المعارف اسلامی، چ ۱، ۱۴۲۶ق.
۲۴. شبیری زنجانی، موسی، بخش استفتائات دفتر آیت الله شبیری زنجانی، استفتاء شماره ۱۵۳۶۵، ۱۴۰۰ش.
۲۵. _____، نکاح، قم: مؤسسه پژوهشی رای پرداز، چ ۱، ۱۴۱۹ق.
۲۶. صافی گلپایگانی، لطف الله، بخش استفتائات دفتر آیت الله صافی گلپایگانی، استفتاء شماره ۳۱۰، ۱۴۰۰ش.
۲۷. صدر، محمد باقر، بحوث فی علم الأصول، قم: مؤسسه دائرة المعارف الفقه الإسلامی، چ ۳، ۱۴۱۷ق.
۲۸. صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چ ۲، ۱۴۱۳ق.
۲۹. صیمیری، مفلح بن حسن (حسین)، غایة المرام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت: دار الهادي، چ ۱، ۱۴۲۰ق.
۳۰. طوسی، محمد بن حسن، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، بیروت: دارالکتب العربی، چ ۲، ۱۴۰۰ق.
۳۱. _____، العُدّة فی أصول الفقه، قم: علاقبندیان، چ ۱، ۱۴۱۷ق.
۳۲. _____، الفهرست، نجف: المكتبة الرضویة، چ ۱، ۱۴۱۷ق.
۳۳. _____، المبسوط فی فقه الإمامیة، تهران: المكتبة المرصوصیة لإحياء الآثار الجعفریة، چ ۳، ۱۳۸۷ق.
۳۴. _____، تهذیب الأحکام، تهران: دار الکتب الإسلامیة، چ ۴، ۱۴۰۷ق.
۳۵. عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، قم: فقاقت، چ ۱، ۱۳۹۶ش.
۳۶. عاملی، محمد بن حسن، أمل الآمل، بغداد: مكتبة الأندلس، چ ۱، ۱۳۸۵ق.
۳۷. _____، وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، چ ۱، ۱۴۰۸ق.

۳۸. علوی گرگانی، محمد علی، بخش استفتائات دفتر آیت الله علوی گرگانی، استفتاء شماره ۱۶۱۹۹، ۱۴۰۰ ش.
۳۹. فاضل لنکرانی، محمد، تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة - کتاب الديات، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، ج ۱، ۱۳۷۶ ش.
۴۰. فقعی، علی بن علی بن محمد بن طی، الدر المنضود فی معرفة صیغ النیات و الإیقات و العقود، قم: مکتبة إمام العصر علیه السلام العلمیة، ج ۱، ۱۴۱۸ ق.
۴۱. قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲.
۴۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ج ۴، ۱۴۰۷ ق.
۴۳. کیدری، قطب الدین، محمد بن حسین، إصباح الشیعة بمصباح الشریعة، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، ج ۱، ۱۴۱۶ ق.
۴۴. مراغی، میر عبدالفتاح، العناوین الفقهیة، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۱، ۱۴۱۷ ق.
۴۵. مغربی، نعمان بن محمد، دعائم الإسلام، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، ج ۲، ۱۳۸۵ ق.
۴۶. مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری، المقنعة، قم: کنگره جهانی هزارة شیخ مفید، ج ۱، ۱۴۱۳ ق.
۴۷. مکارم شیرازی، ناصر، بخش استفتائات دفتر حضرت آیت الله مکارم شیرازی، استفتاء شماره ۶۵۶۸۳۴، ۱۴۰۰ ش.
۴۸. نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی - فهرست أسماء مصنفی الشیعة، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۶، ۱۴۰۷ ق.
۴۹. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت: دار إحياء التراث العربي، ج ۷، ۱۴۰۴ ق.
۵۰. مرکز اطلاعات ملی بیوتکنولوژی، کتابخانه ملی پزشکی، مدل آماری هندسه جمجمه کودکان، ۷/ ژوئن/ ۲۰۲۲، ۱۸ می/ ۲۰۱۵، <https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC4436309/>.
۵۱. <https://www.stanfordchildrens.org/en/topic/default?id>.
۵۲. Anatomy of a Newborn Baby's Skull، BRIGHAM AND WOMEN'S HOSPITAL، ۷/ ژوئن/ ۲۰۲۲، <https://healthlibrary.brighamandwomens.org/Search/>، P۹۰، ۱۸۴۰.
۵۳. <https://gahvare.net/baby/baby-development/baby>.